

هزارمین سالگرد تولد حکیم ابوعلی سینا



فیلسوف
طبيب
طبیعیدان
ریاضیدان
شاعر
معلم

سالگرد بزرگداشت هزارهٔ دانشمند بزرگ "ابوعلی سینا" از دوم تا هفتم اسفندماه درموزه‌ی هنرهای معاصر تهران وموزهٔ آزادی ازسوی کمیسیون ملی یونسکو برگزار خواهد شد. سال ۱۹۸۵ هزارمین سالگرد ولادت حکیم ابوعلی سینا بهمت یونسکو و برگزار شد و بیش از ۶۰ کشور مراسم درجهت بزرگداشت آن حکیم عالیقدر برپا نمودند و ایران بهمین مختصر قناعت کرد.

از هفته نامه ایست و ست دایجست

ترجمه: فرشید- وهاب زنجانی

ارزیابی استراتژیک برای تداوم آزادی

شناخت و تلفیق سیاسی - اقتصادی - اجتماعی غرب از شرق و بالعکس از اهمیت خاصی برخوردار است، بخصوص که عمل کرد این دو قطب قدرت - که در رأس آنها آمریکا و شوروی قرار دارند - برای تامین منافع اقتصادی خود، علاوه بر ایجاد بحرانهای منطقه‌ای، بشر را در لبه پرتگاه جنگی جهانی قرار داده که یقیناً اثرات آن قابل مقایسه با آثار تخریبی جنگ جهانی دوم نخواهد بود.

در شرایط کنونی که بقول بلندگوهای تبلیغاتی آمریکا و شوروی موقعیت جغرافیایی - سیاسی ایران تشدید کننده و عامل مهم رودررویی غرب و شرق خواهد شد!، مطلب زیر که نظریات ژنرال سرنارد دلیبو - راجرز، فرمانده عالی پیمان ناتو (آتلانتیک شمالی) را در بردارد، اشاره‌ای است به سیاست توسعه طلبانه آمریکا که در آن قدرت نظامی نقش خاص خود را بیش از همیشه پیدا کرده است. در فرصتی دیگر میلیتاریسم جهانی و نقش آن در اقتصاد شوروی مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

در یک فضای تحریک شده، نظامی، حل مشکلاتی که امنیت غرب را به خطر انداخته، نه آسان است و نه بیادگی مستعد حل شدن.

خطر اولیه برای پیمان ناتو، نامتعادل بودن دائمی قوای بین نیروهای پیمان ورشو و متحدین آتلانتیک شمالی است. قوایی که از اهمیت

روزافزون سیاسی برخوردار است. موقعیت بحرانی اروپای غربی در دهه ۱۹۸۰ بخصوص از نظر نظامی (دریا و خشکی) و تجهیز همگین و سریع ارتش شوروی در ۱۵ سال گذشته بسیار حساس می‌باشد. این قدرت نظامی شوروی نه بخاطر یک برتری ناگهانی نظامی به غرب است بلکه بیشتر بدلیل اختصاص دادن رقمی بین ۱۳ تا ۱۵ درصد کل بودجه اتحاد شوروی، به امور دفاعی این کشور می‌باشد. ذکر این نکته نیز ضروری است که هر ساله ۴ تا ۵ درصد به بودجه نظامی این کشور افزوده می‌شود.

نکته قابل توجه، اشرفی‌العادة این سرمایه‌گذاری در صنعت شوروی است که در حال حاضر دارای بیشترین و ورزیده‌ترین گروه تحقیقاتی در دنیا می‌باشد. در نتیجه بودجه‌ای در حدود دو برابر سرمایه‌گذاری هر یک از کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی بوده و تولیدی در حدود دو یا سه برابر و یا حتی بیشتر در مقابل تمام کشورهای عضو ناتو در زمینه اکثر سلاحها را دارا می‌باشد. این صنعت نظامی قادر به تولید تعداد بیشماری سلاح با کیفیت عالی و در مدتی نسبتاً کوتاه است.

خطر دیگر، توانایی اتحاد جماهیر شوروی به فرستادن نیروهای نظامی خود از راه هوا، دریا، زمین به تمامی نقاط کره زمین است. این قدرت را، ما بخوبی، در بکار گرفتن نیروی دریایی و حمل و نقل هوایی نیروی نظامی و وسائل جنگی برای فرستادن به آنگولا - بمبئی جنوبی - اتیوپی و افغانستان و همچنین سالی دوبار در مانور نیروهای شوروی در اروپای شرقی مشاهده کرده‌ایم.

با شواهدی که موجود است روند این افزایش قدرت بعلمت مشکلات و اختلافات داخلی نمی‌تواند برای سالهای آینده پیش‌بینی شود که این مسأله برای غرب فرصت مناسبی را پیش خواهد آورد.

علاوه بر مشکلاتی که کادر رهبری شوروی با آن روبروست ما شاهد تقاضای روزافزون اقلیت‌های نژادی برای شرکت در امور سیاسی و نیز افزایش سریع درآمد نژاد غیر روسی در بین جمعیت این کشور و همچنین ناملاحظات اقتصادی ریشه‌دار و کمبود فرآورده‌های زراعتی، نگرانی بخاطر وضعیت چین، احتیاج روبه افزایش مواد سوختی وارداتی (که از اهمیت خاصی برخوردار است) و فشارها و ناراضی‌های بعضی از کشورهای اروپای شرقی هستیم. این مسائل بنا بر سوابق تاریخی معمولاً باعث فشارهایی در داخل شوروی و یا انحرافات نظامی دکترین شوروی در جهان سوم شده است. همچنین شواهد چنین نشان می‌دهند که روسها هم به استفاده سیاسی از طریق اعمال قدرت نظامی واقف هستند و در مواردی آماده قبول خطرات عقب‌نشینی‌های تاکتیکی برای بدست آوردن مقاصد استراتژیک بیشتر می‌باشند.

از سال ۱۹۶۸ شوروی مکرراً اصرار به پیاده کردن دکترین برژنف، با بوسیله استفاده، مستقیم از نیروی نظامی در ممالک همسایه و بسا توسط نیروهای واسطه در ممالک جهان سوم داشته است.

خودداری غرب از نشان دادن عکس العمل در مقابل این توسعه طلبی‌ها فرمولهای نظامی را بطور محسوس تغییر داده است، بطوریکه شدت رفتار و دخالت‌های سیاسی شوروی (که از جانب غرب ضمنی پذیرفته شده است) بجایی رسیده که منافع ملی و امنیتی ما را در نقاطی که خارج از محدوده قدرت پیمان آتلانتیک شمالی واقع شده‌اند بشدت به مخاطره انداخته است.

عملاً رفتار شوروی در دنیا نتایج عمیقی برای غرب در بر دارد. روسها هنوز بیشترین ارجحیت را به استقرار قوای نظامی در منطقه اروپای مرکزی می‌دهند. برخلاف عقیده عمومی، با وجودیکه این استقرار نیرو مشخص‌ترین نوع مبارزه طلبی است ولی با ازدیاد اختلاف شرق و غرب و بی ثباتی سیاسی جهان سوم و رقابت بخاطر دستیابی به منابع گرانبهای این مناطق، امکان اینکه دامنه این اختلافات و رویارویی به اروپای مرکزی کشیده شود، وجود دارد.

عکس العمل ما که بر اساس اعتماد زیاد به اقدامات امنیتی در ناتو بی ریزی شده است، می‌تواند به متحدین غربی اطمینان دهد که برای حفظ منافع مشترک قادرند به گردآوری مقادیر زیادی نیرو و تجهیزات نظامی خارجی (آمریکایی) متکی باشند.

برای بدست آوردن امنیت منطقه‌ای در محدوده قراردادی، ناتو سیاست جدیدی را بر مبنای عکس العمل قابل انعطاف ملاک عمل خویش قرار داده است که اصولش اتکاء به کمک نظامی، خواست همگانی و اتحاد کامل متحدین اروپای غربی می‌باشد. این سیاستی است که به ما اجازه می‌دهد در مقابل خطرات احتمالی و واقعی، بدون در نظر گرفتن میزان خطر، عکس العمل نشان دهیم.

برای منشرمربودن دکترین نظامی، ناتو به قدرت کامل نظامی شامل نیروی نظامی هسته‌ای و نیروهای معمولی در محل احتیاج دارد تا بعنوان پشتیبان در حالت آماده باش کامل قرار داشته باشد.

در حالیکه پیشرفت و شتاب پیدا شده در بین متحدین اروپایی قابل تمجید می‌باشد، اما از سوی دیگر، تورم، بیکاری روزافزون و بی ثباتی اقتصادی و همچنین محدودیت منابع انرژی با قوت بیشتری رخ می‌نمایند. بعبارت دیگر، این مشکلات اجتماعی و اقتصادی مشترک بین تمام ممالک متحده نیاز مبرمی به حل شدن دارند. با وجود تمام این

مسائل کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی در اولویت دادن به مسائل ملی شان باید بتوانند به سبب امنیت ناتو اتکانمایند که این خود زبیربنای حل سایر مشکلات مشترک نیز می باشد. به عقیده من هر چند که این مساله دردناک جلوه کند، کشورهای عضو ناتو باید به مشکل احتیاجات امنیتی خود اولویت بدهند.

آینده .

اولین قدم برای روبروشدن با خطر روزافزون شرق (بخصوص شوروی) تمایل مادربر آورد کردن احتیاجات نیروی نظامی مورد احتیاج - چه معمولی و چه هسته ای - و نیز بکارگیری سیاست نظامی ناتو و در نتیجه ایجاد احساس ایمنی و اطمینان در میان متحدین ناتو در مورد پذیرش این سیستم امنیت دسته جمعی است .

ما نمی توانیم به هیچ وجه بر مصلح بعنوان یک حرف و یا قول متکی باشیم و از تدارک یک نیروی تابعه و تدافعی در صورت بروز خطر تهدید شوروی، سرباز زنیم. در حالیکه به در مدیوجه، اختصاص یافته برای ناتو، رقم قابل قبولی است، اما به حال می بایست درک کنیم که با افزایش روز-افزون تهدیداتی که با آن مواجهیم این رقم برای پر کردن شکاف بین نیروی نظامی پیمان ورشو و پیمان ناتو بهیچوجه کافی نخواهد بود.

تمرکز روبا افزایش قوای شوروی و همچنین افزایش فشار مشکلات داخلی بحملوه درک مبهم از تصمیمات غرب با احتمال زیاد باعث تحریک شوروی، به ماجراجویی بیشتر در جهان خواهد شد که عواقب آن تشدید مشکلاتی است که متحدین با آن روبرو هستند.

مشکلات امنیتی غرب نه تنها دیگر قابل تقسیم هستند بلکه حتی قابل حل شدن انفرادی نیز نمی باشند. امنیت آینده ما، در حال حاضر بیش از هر وقت دیگری، متکی بر اقدامات هماهنگ متحدین مانه تنها در ناتو و اروپا، بلکه در تمامی مناطقی که با آنان منافع مشترکی داریم، می باشد.

مادر غرب دارای منابع برتر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مادی و معنوی هستیم که با آن می توانیم از عهده بر آورد احتیاجات دفاعی خود بر آئیم. انجام این کار، نیاز به دقت، حوصله، استفاده از منابع اصلی، درک و پشتیبانی مردم کشورهای غربی متحد دارد. پیش از هر چیز، باید برای روبروشدن با مشکلات و موانع انجام این مهم از اراده ای یکپارچه و دسته جمعی برخوردار باشیم.